



مبانی پارادایم‌های علوم انسانی قرآن بنیان در دستیابی به توسعه

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

شاهپور اکبری * ID

چکیده

شاخص توسعه انسانی (HDI) یک شاخص مرکب آماری است که در آن امید به زندگی، آموزش و پرورش و درآمد سرانه به‌عنوان معیار برای رتبه‌بندی کشورها ارزیابی می‌شود. سطح تحصیلات بالاتر و تولید ناخالص داخلی نیز به‌عنوان برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) برای اندازه‌گیری توسعه کشور نیز استفاده می‌شود. این شاخص‌ها بر اساس رویکرد مادی به انسان است که توسط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مطرح می‌شود که اغلب در مورد وضع مطلوب در زندگی، تغذیه خوب، حوزه سلامت، تحصیل و ... بحث می‌کند. این نحو بررسی بر اساس مدل اسلامی که عالم ماده زمینه برای تکامل انسان و راه‌یابی به عالم برتر است کاملاً متفاوت می‌باشد. توسعه یک مفهوم است که همیشه ذهن انسانی را در آن جلب کرده است. پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، با توجه به ابعاد گوناگون و پیچیده وجود انسان، از وسعت مفهومی و محتوای غنی برخوردار است اما شاخص توسعه انسانی چنان‌که اندیشمندان غربی نیز اذعان دارند؛ به‌طور کامل، محتوای این مفهوم را دربر نمی‌گیرد. در مبانی علوم انسانی قرآن بنیان مواردی معرفی شده است که به‌صرف لذت معقول از نعمت‌های مادی تنها معیار توسعه انسان و جامعه نیست. این مقاله باهدف بررسی مفهوم واقعی، دیدگاه‌ها و مکانیسم توسعه پایدار از منظر قرآن و دقیق بودن آن تعریف، جامعه قرآنی را با معرفی شاخص‌های یک جامعه مدرن تعریف می‌کند. روش پژوهش و روش‌شناسی از نوع کتابخانه‌ای است و متون به آن اشاره می‌شود و به این دلیل که این مفاهیم نیاز به تبیین دارند این روش انتخاب شده است.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، قرآن، پارادایم، پیشرفت، توسعه.

* نویسنده مسئول: shaporakbari57@gmail.com

1. Human Development Index
2. HDRO (Human Development Report Office) United Nations Development Programme. Retrieved 14 September 2018

۱- مقدمه

دقت در تعاریف و شاخص‌های دستیابی به توسعه بر اساس مبانی علوم انسانی قرآن بنیان نشان می‌دهد که توسعه در ساحتی مادی و دور از هرگونه امر قدسی دیده شده و طبیعی است به‌ویژه که هدف غایی در هیچ یک از آن‌ها باهدف نهایی در اندیشه اسلامی مشترک نیست. در مورد توسعه و پیشرفت می‌توان به توسعه انسانی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه پایدار، توسعه جهانی و ... اشاره کرد اما هیچ‌یک از این موارد مدنظر ما نیست. جامعه پیشرفته و وارسته، با توجه به تعریف فرهنگ‌ها، ادیان و مکاتب مختلف خواهد بود؛ لذا تعریف وارستگی و توسعه در هر جامعه بستگی به فرهنگ و آموزه‌هایی دارد که در آن جامعه حاکم است و شاخصه‌های آن را دین و فرهنگ آن جامعه بیان می‌کند. بنا بر معیار و تعریفی که دین اسلام از پیشرفت و توسعه دارد، جامعه‌ای وارسته است که شهروندانش به آموزه‌ها، تعالیم و دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام پای بند باشند و آن رفتارها را در جامعه خود به اجرا در آورند.

علل پیشرفت یک امت و نشانه‌های سقوط در بیانی از امیرالمؤمنین (ع) نیز تبیین شده است که به آن اشاره می‌شود حضرت فرمود: «يُسْتَدَلُّ عَلَىٰ إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعُ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكُ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمِ الْأَرَاذِلِ وَ تَأْخِيرِ الْأَفَاضِلِ»؛ (تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۳: ص ۳۲۱؛ غرر الحکم، ص ۳۴۲) دولت‌ها و جوامع زمانی به انحطاط گرایش پیدا می‌کنند که اصول ارزشی از بین برود و نیرنگ به عنوان اصل ارزشی مورد قبول قرار گیرد، فرومایگان سمت‌ها و مسئولیت‌ها را به عهده گیرند و کسانی که فاضلند منزوی شوند.

از نگاه اسلام، زندگی اجتماعی و روابط افراد یک جامعه و وظایف یک شهروند در قبال مردم و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، دارای اصول و ضوابطی است که هر فرد مسلمان در مناسبات و رفتارهای اجتماعی ملزم به رعایت آن‌ها است. هر انسان و جامعه‌ای که این آموزه‌ها را سرلوحه برنامه‌های زندگی خویش قرار دهد، در آن اجتماع پیشرفت و وارستگی و توسعه تحقق خواهد یافت.

۲- بیان مسئله

اعتقاد به تکامل، اندیشه‌ای است که همیشه ذهن انسان را به چالش می‌کشد، همان‌طور که مردم غریزی به دنبال کمال و پیشرفت می‌باشند و این تعریف جدیدی از تکامل انسان ارائه می‌دهد. برای کشف و توضیح قوانین تکاملی که در جوامع بشری وجود دارد، باید از این موضوع آگاه شد که در حقیقت در غرب عمدتاً بر اساس «انسان‌گرایی» و «لیبرالیسم»^۱ با تمرکز بر «تکنولوژی» و شاخص‌های صنعتی و اقتصادی به دنبال توسعه جامعه هستند. با توجه به این واقعیت که توسعه به‌طور کامل به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی حاکم بر جامعه بستگی دارد، می‌توان گفت مذهب مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده در این زمینه است که جنبه‌های مختلف در آن همیشه وجود داشته است و در طول تاریخ به نمایش گذاشته شده است. اگرچه جهت‌گیری اصلی قرآن به آخرت است، اما رسیدن به آخرت و رستگاری را منوط به بهره‌مندی معقول و حساب‌شده از مواهب مادی می‌داند از این‌رو تحقق نقش قرآن در ساخت تمدن بشری انکارناپذیر است و با استناد به شواهد و ادله محکم می‌توان به یک چارچوب مفهومی و نظریه کلان در خصوص سازگاری آموزه‌های قرآن با پیشرفت، دست یافت. این مقاله در تلاش است تا مفهوم واقعی، افق و سازوکار پیشرفت پایدار را از دیدگاه قرآن موردبررسی قرار داده و با معرفی شاخص‌های جامعه پیشرفته، تعریفی دقیقی از جامعه قرآنی پیشرفته ارائه کند.

۳- مفاهیم و اصلاحات

۳-۱ توسعه و پیشرفت

مفهوم توسعه و پیشرفت همواره از اساسی‌ترین دغدغه‌های ذهنی اندیشمندان و متفکران بوده است. توسعه: (تُسْعِ ع) [ع. توسعه] ۱ - (مص م.) گشاد کردن، فراخ کردن، وسعت دادن. ۲ - (مص م.) گشادی، فراخی. ۳ - ترقی، پیشرفت. (لغت‌نامه دهخدا؛ فرهنگ معین).

۱- لیبرالیسم (به انگلیسی: Liberalism) در معنای لغوی، به معنی آزادی‌خواهی است و به آرایه وسیعی از ایده‌ها و تئوری‌های مرتبط دولت، اطلاق می‌شود که آزادی شخصی را مهم‌ترین هدف سیاسی می‌داند.

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱).

پیشرفت: (ز) (مص مر.) ۱ - پیش رفتن، جلوتر رفتن. ۲ - ترقی، رشد. (لغت نامه دهخدا؛ فرهنگ معین)

توسعه در دیدگاه اندیشمندان مختلف با توجه به رویکرد و گرایش آن‌ها به مسائل گوناگون دارای تعاریف متعددی است. ادوارد تایلور، با گرایش فرهنگی در تعریف توسعه می‌نویسد: هرگاه با هنرهای پیشرفته، دانش متری و سازمان‌های پیچیده برخورد کنیم، باید بدانیم که این‌ها از توسعه و پیشرفت تدریجی مراحل ساده قبل نتیجه‌گیری شده‌اند و هیچ مرحله‌ای از تمدن به خودی خود به وجود نمی‌آید؛ بلکه هر مرحله از مرحله قبلی ناشی می‌شود و متکی به آن است (ادیبی، ۱۳۵۳: ۲۵۰). اسپنسر، توسعه را ادغام و یکپارچگی ماده دانسته که با اصطکاک و تجزیه حرکت همراه است (توسلی، ۱۳۷۶: ۹۹). آگوست کنت، پیشرفت انسان را دارای سه مرحله الهی، متافیزیک و علمی می‌داند. به نظر کنت هر یک از مراحل پیشرفت جامعه بشری، با تکامل ذهن بشر شکل می‌گیرد (همان).

۳-۲ پارادایم

واژه پارادایم (paradigm) ابتدا در قرن پانزدهم به معنی «الگو، مدل و نمونه به کار می‌رفت.» (کوهن، تامس، ص ۳۷) اما در دهه ۱۹۶۰ تامس کوهن واژه پارادایم را به معنی یک تفکر در هر انقلاب علمی بکار برد. «پارادایم» از کلمه یونانی «پارادیگما» گرفته شده است و در اصل واژه افلاطونی است و تغییر شکل یافته کلمه «مُثل» بعدها توسط مترجمان است. امروزه به معنای یک جهان‌بینی و نظریه کلی است که انسان راجع به قلمروئی از هستی دارد و با توجه به آن نظریه به تفحص و بررسی جزئیات درون آن قلمرو می‌پردازد. (زرشناس، شهریار، ۱۳۸۳: ص ۷۷). کوهن مفهوم پارادایم را در کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی» (۱۹۶۲) بکار برد و آن را به این صورت تعریف می‌کند که پارادایم عبارت است از «دستاوردهای علمی به صورت عمومی پذیرفته شده‌ای که برای مدتی به وسیله کارورزان آن

رشته، به‌عنوان مدلی برای حل مسائل رشته مزبور به کار گرفته می‌شوند.» (معینی علمداری، جهانگیر، ۱۳۸۵: ص ۴۳).

الگوواره یا پارادایم، سرمشق و الگوی مسلط و چهارچوب فکری و فرهنگی است که مجموعه‌ای از الگوها و نظریه‌ها را برای یک گروه یا یک جامعه شکل داده‌اند. هر گروه یا جامعه، «واقعیات» پیرامون خود را در چارچوب الگوواره‌ای که به آن عادت کرده تحلیل و توصیف می‌کند. پارادایم از جدیدترین مفاهیمی است که وارد حوزه فلسفه علم جامعه‌شناسی شده است. الگوواره‌هایی که از زمان‌های قدیم موجود بوده‌اند از طریق آموزش محیط به افراد، برای فرد به‌صورت چارچوب‌هایی «بدیهی» درمی‌آیند. درواقع پارادایم «...الگوی داوری شایع و موجه و مورد مراجعه برای رد یا قبول افکار هستند و شامل الگوهای منطقی، منطقی-احساسی و فقط احساسی، الگوهای فکری فردی، گروهی و عمومی می‌شوند. شرط لازم و کافی برای تشکیل یک پارادایم، این است که یک الگوی داوری، مقبول و مورد مراجعه باشد؛ به‌عبارت‌دیگر، هر آنچه رفتار پارادایمی داشته باشد، پارادایم است. رفتار پارادایمی عبارت است از: در چمبره (میان) گرفتن داوری‌های ادراکی، توسط یک الگو برای یک مدت طولانی. پس هر آنچه بتواند مجموعه‌ای از داوری‌های ادراکی یک فرد یا جامعه را در چمبره (آغوش) خود بگیرد و مدت‌ها پایدار بماند، پارادایم است. پارادایم‌های غیر ارتکازی^۱، متکی به رفتار ادراکی و علمی فرد و جامعه هستند: این که ایشان چیزی را پارادایم قرار دهند یا نه.»

۴- شاخص‌های جامعه پیشرفته

شاخص‌های انسانی رشد و توسعه که قرآن بر اساس فلسفه خلقت انسان در نظر گرفته است، سبک خاصی از زندگی را ارائه می‌دهد که سبک اسلامی نامیده می‌شود. برخی از مهم‌ترین شاخصه‌ها و نشانه‌های وجود توسعه و پیشرفت در یک جامعه به‌صورت خلاصه می‌تواند این‌ها باشد:

۱- ارتکاز عبارت است از رسوخ مفهومی خاص در ذهن گروهی یا اکثر و با همه مردم مانند ارتکاز محترم بودن قرآن و کعبه نزد مسلمانان و ارتکاز حرمت داشتن امامان معصوم علیهم‌السلام.

۴-۱ توحید

پیشرفت‌های مادی و صنعتی فقط بخشی از زندگی انسان را تأمین می‌کند و به‌تنهایی سعادت و خوش‌بختی نمی‌آورد و پاسخ‌گوی همه خواسته‌های فطری بشر نیست، بلکه باید به‌موازات این، پیشرفت در ابعاد معنوی، اخلاقی و انسانی نیز تکامل یابد و خلأهای روحی و روانی را جبران نماید. بی‌گمان سرچشمه حیات معنوی و همه امور دینی و اخلاقی پذیرش توحید و پرستش خدای یگانه است.

نیاز به معبود و احساس پرستش یکی از ضروریات فطری و صفات عمومی بشر است و از هیچ ملتی جدا نمی‌شود و هیچ حقیقتی به‌جای آن نمی‌نشیند. قرآن یکی از مظاهر برجسته جامعه مطلوب را اعتقاد به توحید و دوری از شرک می‌داند. هر پیامبری که از جانب خدا مبعوث شده، نخست توحید و یگانه‌پرستی را مطرح ساخته، سپس دیگر مسائل اجتماعی و سیاسی را بیان کرده است: «...لَيَبْدُلُنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اِمْنًا يَعْبُدُونَنِي وَ لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور / ۵۵) و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ آن‌چنان‌که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان‌اند.»

۴-۲ عدالت

رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: عدل در مسائل اجتماعی مانند سپر نگهبانی است که افراد در پناه آن از تعدی محفوظ خواهند ماند. (مجلسی، محمدباقر، ج ۱۰۱، ص ۹۲). «وَ عَنِ النَّبِيِّ (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نَظَرَ اِلَى رَجُلٍ لَهُ ابْنَانِ فَقَبِلَ اَحَدَهُمَا وَ تَرَكَ الْآخَرَ فَقَالَ النَّبِيُّ ص فَهَلَّا اَسَيْتَ بَيْنَهُمَا؟» (احسائی، ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۲۹۳). پدری با دو فرزند خود شرفیاب محضر رسول اکرم بود. یکی از فرزندان را بوسید و به فرزند دیگر اعتنا نکرد. پیغمبر که این رفتار نادرست را مشاهده کرد! به او فرمود چرا با فرزندان خود به‌طور مساوی رفتار نمی‌کنی؟ و فرمود: «اعْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ اَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَ اللُّطْفِ»؛ (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ج ۱۰۱، ص ۹۲) میان فرزندان‌تان به عدالت رفتار کنید، چنان‌که دوست دارید در مورد شما به عدالت رفتار شود در خوبی‌ها و لطف.»

۴-۳ اتحاد

وحدت نظری و عملی و هماهنگی عناصر مؤثر جامعه از نشانه‌های روشن پیشرفت و تمدن است. در جامعه‌ای که تکریم، حرمت و ارزش‌یابی افراد بر اساس جنسیت، تابعیت، رنگ و زبان مبتنی گردد، پایه‌های پیشرفت مستحکم نمی‌شود و کاروان تمدن به پیش نمی‌رود؛ اما در سایه انسجام و همبستگی، سنت‌ها و نظرها به هم می‌آمیزد، بر کمالات و امتیازات اقوام و افراد جامعه افزوده می‌شود، کمبودها و نقص‌های اجتماعی تأمین می‌گردد، اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها با هم آشتی می‌پذیرد، تعاون و همیاری جان می‌گیرد، بازار و بازرگانی رونق می‌یابد و ارکان حکومت و پایه‌های دولت تقویت می‌شود.

اگر اختلاف را به دو دسته اصلی اختلاف در عقیده و اختلاف در حیات اجتماعی بدانیم و فقدان هدایت و تربیت الهی و دسیسه‌های شیطانی را عامل چنین اختلافی بشناسیم، نقش پیامبران در رفع اختلاف و ایجاد اتحاد روشن می‌شود؛ زیرا آنان با آوردن آیین آسمانی که مطابق با عقل و فطرت انسان‌ها است، انسان را از پراکندگی عقیدتی رها می‌سازند و با ارائه شریعت و قوانین زندگی اجتماعی، با اجرای حدود الهی با اختلافات اجتماعی مقابله: «وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»، (بقره/۲۱۳) و با تربیت مردم و تزکیه دل‌ها و تعلیم اخلاقیات، با دسیسه‌های شیطانی مبارزه می‌کنند.

اتحاد و یگانگی در سایه وحدت عقیده، محکم‌ترین نوع اتحاد است که قرآن بر آن تأکید کرده است. قرآن، بر اساس همین وحدت عقیده، مؤمنان را برادران یکدیگر خوانده است: «أَنَّ الْمُمْنِينَ إِخْوَةٌ» (حجرات / ۱۰) و این اخوت و برادری، آن‌چنان مستحکم بود که تا مدتی پس از عقد مؤاخاة میان مؤمنان در مدینه، آنان از یکدیگر ارث می‌بردند (نساء/۳۳) تا آن‌که با آمدن آیه «وَأَوْلُوا الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ»، (انفال/۷۵) این حکم منسوخ شد. هم‌چنین در پیوند اخوت، تفاوت‌های ظاهری را نادیده گرفته، حتی کودکان بی‌سرپرست را برادر مردان بزرگ قرار می‌دهد: «وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ» (بقره/۲۲۰) حتی کسانی را که سابقه شرک و جنگ داشته باشند، به مجرد آن‌که توبه کنند و اهل نماز و زکات شوند، برادران مؤمنان می‌سازد: «فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ... فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»

(توبه / ۱۱) هم چنین مردان و زنان مؤمن، در برابر یکدیگر، ولی و یار معرفی شده‌اند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه/۷۱) و از آنان خواسته است تا در کارهای نیک و پارسایی، یکدیگر را یاری دهند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى». (مائده / ۲) قرآن، به استناد همین یگانگی نه تنها بر یک نسل، بلکه بر همه نسل‌های مؤمن و مسلمان در نسل‌ها و عصرهای مختلف و با نژادهای گوناگون امت واحده اطلاق کرده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً». (انبیاء/۹۲)

۴-۴ آزادی

آزادی از مظاهر بارز پیشرفت است؛ جامعه‌ای که بر پایه آزادی اندیشه استوار باشد، در افق روشنی از تمدن انسانی قرار می‌گیرد. «آزادی» هیچ‌گاه نمی‌تواند مطلق و نامحدود باشد، جهان‌بینی الهی می‌گوید: جهان دارای مبدأ و معاد است و برای انسان، وحی و رسالتی آمده و انسان در عین طبیعی بودن، دارای حیثیت وجودی فراطبیعی می‌باشد و انسان مسافری است که عوالمی را پشت سر گذاشته و عوالمی را پیش رو دارد و با مرگ نابود نمی‌شود. (مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸: ص ۱۴). باید توجه داشت که آزادی در عرصه‌های مختلف دارای حدود و موازینی است و آزادی لجام گسیخته و بدون قید، هرچند و مرجع به دنبال دارد. از جمله قرآن کریم درباره تعدی نکردن به حدود و احکام الهی و رعایت مرزهای الهی می‌فرماید: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره / ۲۲۹). ... این‌ها (احکام) حدود و مرزهای الهی است از آن تجاوز نکنید، هر کس از آن تجاوز کند ستمگر است.»

۴-۵ علم و دانش

آشنایی با علوم و فنون از دیگر مظاهر تمدن و جهل و ناآگاهی و نداشتن شناخت کافی نسبت به علم و صنعت از نشانه‌های عقب‌ماندگی و سقوط است. جامعه‌ای پیشتاز است که بهره‌ای از معارف بشری را دریابد و گامی فراسوی علم و معرفت بردارد و گرنه در پیچ‌وخم حیات، همچنان حیرت‌زده می‌ماند و ره به جایی نمی‌برد.

با توجه به مفاهیم و چشم‌انداز پیشرفت در قرآن، برخی از مهم‌ترین شاخص‌های جوامع پیشرفته انسان را می‌توان از دیدگاه قرآن موردبررسی قرار داد. خداوند که عالم را مسخر انسان قرار داده است، شرط تسخیر را علم می‌داند. از این رو قرآن در تعداد بسیاری از آیات خود انسان را به فراگیری علم و دانش تشویق می‌نماید و علم را عامل ترفیع و پیشرفت انسان می‌داند و می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ». (مجادله / ۱۱) «خداوند درجات کسانی از شما را که ایمان آورده و کسانی را که دارای علم و دانش هستند، بالا می‌برد»
«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ». (زمر / ۹) «آیا کسانی که می‌دانند با آن کسانی که نمی‌دانند برابرند».

۴-۶ انفاق

با توجه به نقش مؤثر انفاق، زکات، خمس و صدقه در ریشه‌کن کردن فقر در رشد اقتصادی جامعه و تحقق رفاه اجتماعی و ایجاد محبت در جامعه که خود عامل یگانگی و انسجام اجتماعی می‌گردد؛ خداوند فرامین مؤکدی بر بذل و بخشش مال دارد. خداوند در آیه ۱۸۰ از سوره آل عمران کسانی که نسبت به بخشش مال بخل می‌ورزند را مورد نکوهش قرار می‌دهد و می‌فرماید: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ...» (آل عمران / ۱۸۰) «آن‌ها که بخل می‌ورزند و آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده انفاق نمی‌کنند، گمان نکنند برای آن‌ها خیر است، بلکه برای آن‌ها شر است». در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». (حدید / ۱۰). «چرا در راه خدا انفاق نکنید، در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خدا است» و همچنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ». (بقره / ۲۶۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از اموال پاکیزه‌های که به دست آورده‌اید، یا از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم انفاق کنید»

خداوند در سوره آل عمران انفاق را شرط رسیدن به نیکوکاری می‌داند و می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران / ۹۲) هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید».

۴-۷ امر به معروف و نهی از منکر

از عوامل مهم پیشرفت جامعه امر به معروف و نهی از منکر است که قرآن در آیات متعدد اهمیت آن را گوشزد کرده است. از جمله در آیه ۱۰۴ از سوره آل عمران می‌فرماید: «وَلَنْتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۰۴).

باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها رستگاران‌اند»

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ هُنَالِكَ ... مِنْهَا جُ الصَّلْحَاءُ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَيَنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ الْحَدِيثُ». «امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی هستند که بقیه فرایض به وسیله آن‌ها برپا می‌شوند و به وسیله این دو، راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود، حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه آن زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و در پرتو آن همه کارها روبه‌راه می‌گردد».

پیغمبر اکرم می‌فرماید: «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ». «کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین پیامبر و کتاب او است» (مکارم الأخلاق، ۱۳۷۷: ج ۳، ۵۱) همچنین می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران / ۱۱۰). «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شدید که امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر و به خدا ایمان دارید».

۴-۸ امنیت

مقوله امنیت در واقع عنصر محوری برای جامعه است؛ یعنی جامعه در بستر امنیت شکوفا خواهد شد؛ چراکه رشد و تعالی همه‌جانبه تعلیم و تربیت و دیگر ابعاد زندگی مادی و معنوی در سایه امنیت و آسایش امکان‌پذیر است و تلاش و تکاپوی افراد در گهواره امنیت جهت و جریان می‌یابد. حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) از جمله ویژگی‌های خانه خدا را مأمّن بودن آن معرفی می‌نماید و از خدا می‌خواهد تا آن را برای زائران خانه‌اش ایمن گرداند. (سوره بقره/ ۱۲۵) پس جامعه‌ای که از نعمت امنیت بی‌بهره است نشان می‌دهد که هنوز با پیشرفت شایسته و تمدن انسانی فاصله دارد.

۴-۹ مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی مسئولیتی انسانی است که ناظر به آینده یا گذشته می‌باشد و در عین حال، غیر از مسئولیت به معنای حقوقی، اجتماعی، علی و... است. این تعریف، کلی است و تنها بیان می‌کند مسئولیت اخلاقی غیر از مسئولیت‌های دیگر است، اما ملاک اخلاقی بودن را به درستی مشخص نمی‌کند، بنابراین نیازمند تبیین بیشتر معنای مسئولیت اخلاقی هستیم.

۴-۱۰ تبیین معنای مسئولیت اخلاقی

برخی مسئولیت اخلاقی را به معنای قابلیت مدح و ذم اجتماعی دانسته‌اند؛ و برخی آن را به معنای توانایی و قابلیت توضیح و تفسیر یک رفتار یا یک صفت آورده‌اند. در مواردی نیز مسئولیت را به معنای «در معرض مجازات بودن» یا «مسئولیت در برابر خداوند که نتیجه آن مجازات و کیفر اخروی است» آورده‌اند. (مصباح یزدی، محمدتقی، ص ۱۲۰) برخی نیز آن را به معنای اقرار شخص به افعال صادره از خویش و آمادگی برای تحمل نتایج آن تعریف کرده‌اند. (بدوی، عبدالرحمن، ۱۹۷۵: ص ۲۲۲).

تعاریف فوق غالباً به لوازم و پیامدهای مسئولیت اخلاقی نظر داشته‌اند تا به حقیقت مسئولیت اخلاقی. برای تعریف مسئولیت اخلاقی باید به وظیفه اخلاقی توجه کرد. چنان‌که مسئولیت در هر حوزه‌ای مبتنی بر وظایف است و این وظیفه است که مسئولیت را با خود

می‌آورد در اخلاق نیز مسئولیت با وظایف اخلاقی مرتبط است؛ یعنی مسئولیت به معنای مورد بازخواست قرار دادن شخص در موارد وظایف اخلاقی. شخص در مقابل وظایف اخلاقی که بر عهده اوست مواجه با سؤال و بازخواست است، اگر وظایف خود را به درستی انجام دهد مستحق مدح است و گرنه مستوجب مذمت. هویدا است که مستوجب مدح و ذم بودن از پیامدهای مسئول بودن اوست. نتیجه آن که مسئولیت در جایی معقول است که «مسئول» نسبت به امر مورد سؤال، وظیفه و تکلیفی داشته باشد. به همین جهت است که گفته می‌شود، مفهوم مسئولیت در قبال انجام یا ترک وظیفه مطرح می‌گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ص ۱۲۱).

۴-۱۱-۱۱ نظم

بخش عظیمی از دستورات و سفارشات قرآن کریم در راستای تنظیم اندیشه و اعمال انسان است. امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷). آگاه باشید که آگاهی از آینده، خبر از گذشته، داروی درد (نادانی و گمراهی) و نظم و ترتیب زندگی روزمره شما در قرآن (آمده) است.»

۴-۱۱-۱۱-۱ نظم فکری

اگر انسان زندگی خود را طبق پیشش اسلامی نظم بدهد و بکوشد گفتار، رفتار و حرکاتش منظم و مطابق برنامه دقیق اسلام باشد، نظم فکری پیدا می‌کند و هیچ‌گاه دچار تزلزل فکری و عقیدتی نمی‌شود. حضرت امام خمینی (رحمة الله عليه) در این باره می‌فرماید: «اگر در زندگی مان، در رفتار و حرکاتمان نظم بدهیم، فکرمان هم بالطبع نظم می‌گیرد، وقتی فکر نظم گرفت، یقیناً از آن نظم فکری الهی هم برخوردار خواهد شد.» (وجدانی، مصطفی، ۱۳۷۶: ج ۴، ص ۱۲۱).

۴-۱۱-۲ نظم در مصرف

نظم در مصرف به معنای داشتن حساب و برنامه دقیق در دخل و خرج‌ها و مصرف‌هاست که در این امور، اعتدال را رعایت کرده و از زیاده‌روی و اسراف پرهیزند. چنان‌که قرآن کریم بندگان خوب خود را این‌گونه می‌ستاید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان / ۶۷). بندگان خدای رحمان) کسانی هستند که هرگاه انفاق (هزینه) کنند نه اسراف کنند و نه تقتیر (دست‌خسکی) و (هزینه زندگی آنان) بین این دو در شرایط متعادل است.»

۴-۱۱-۳ نظم در امور نظامی

پایبندی به نظم و انضباط به‌ویژه در امور نظامی از اهمیت بالاتری برخوردار است. یکی نیروی نظامی باید در کیفیت پوشیدن لباس نظامی، سر وقت حضور یافتن در محل کار، به غیر کار موظف نپرداختن مقید باشد، برای دفاع از اسلام و میهن اسلامی آمادگی کامل داشته باشد، سلسله‌مراتب نظامی را رعایت کند. احترام مقامات مافوق خود را نگه دارد، در برخورد با همکاران هم‌ردیف و... منظم و منضبط باشد. تفصیل بیشتر این بخش در درس آینده می‌آید.

۴-۱۲ عزت

عزت از مباحثی است که قرآن کریم آن را مطرح می‌کند، عزت از فضائل انسانی است و خوب و ذلت از رذایل انسانی است و بد اما در حقیقت آن بیان ویژه خود را دارد. عزت به صلابت و نفوذناپذیری است و لازمه صلابت و نفوذناپذیری پیروزی است، بر اساس آموزه‌های قرآن عزت به این معنا پیش خداست که قرآن فرمود: «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (سوره نساء / ۱۳۹). و اگر خدا عزیز محض است اگر کسی خواست از عزت سهمی ببرد، چاره‌ای ندارد که با خدا رابطه داشته باشد، آن‌ها که با خدا رابطه دارند - مانند انبیاء و شاگردان آن‌ها - از عزت برخوردارند «الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (سوره منافقین / ۸). پیامبر عزیز است، مؤمنان عزیزند و سر‌بهره مندی آن از عزت وابستگی آن‌ها به خداست» برخی

به دنبال عزت هستند اما نمی‌دانند که عزت کجاست و راه آن چیست چنانچه اگر انسانی تشنه است و به دنبال آب است اول باید سرچشمه و محل وجود آب را بشناسد و در ثانی راه رسیدن به چشمه و دستیابی به آب را نیز بداند در این صورت اگر حرکت کرد و به آب رسید و از آن استفاده کرد خود را از تشنگی نجات می‌دهد.

قرآن کریم درباره منافقان فرمود: آنان به دنبال عزت هستند و لکن بی‌راه می‌روند زیرا عزت واقعی پیش خداست. «أَيُّتَنُوعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء / ۱۳۹). منافقان با کافران ارتباط برقرار می‌کنند آیا آن‌ها به راستی می‌خواهند از طریق این ارتباط به عزت برسند، در حالی که تمام عزت‌ها مخصوص خداست؛ زیرا عزت همواره از علم و قدرت سرچشمه می‌گیرد و تنها خدا علیم و قادر مطلق است ولی کفار قدرت و علمشان ناچیز است از این رو آن‌ها نمی‌توانند عزت را برای شما فراهم کنند.

در آیه دیگری می‌فرماید: عده‌ای عزت را از راه گناه تعقیب می‌کنند نه از راه تقوا و لذا به آن‌ها گفته می‌شود از خدا پروا داشته باش، او عزت را در سایه گناه می‌داند «وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ». (بقره / ۲۰۶).

این آیات نشان می‌دهد که عزت را باید در سایه ارتباط با خدا بیابند زیرا سرچشمه عزت‌ها اوست نه کفار و بیگانگان و نه راه گناه بلکه باید با خدا رابطه برقرار کرد و از گناه پرهیز کرد. از این رو در سوره فاطر فرمود: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُبْورُ» (فاطر / ۱۰) کسانی که عزت می‌خواهند از خدا بطلبند، زیرا تمام عزت از آن خداست (و راه وصول آن کسب عزت در پرتو عزت الهی است) سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد و آن‌ها که نقشه‌های سوء می‌کشند عذاب شدید برای آن‌هاست و مکر و تلاش افسادگرانه آنان نابود می‌شود و به جایی نمی‌رسد.

بر اساس این آیه سرچشمه عزت خداست و راه رسیدن به آن عقیده خوب، منطق خوب، اوصاف نفسانی است که به سوی خدا صعود می‌کند و تنها عقیده و سخن کافی نیست بلکه عمل هم لازم است زیرا عمل صالح عقیده پاک را تقویت می‌کند که به سوی

خدا صعود کند و وقتی صعود کرد به مرکز عزت نزدیک می‌شود وقتی به مرکز عزت نزدیک شد پیشرفت می‌کند و چیزی او را زایل نخواهد کرد و پیامبر و مؤمنان با کلمات طیب و عمل صالح به مرکز عزت نزدیک شدند. در مقابل اگر کسی از خدا فاصله گرفت در بخش عقیده دچار انحراف شد و در عمل به نافرمانی خدا مبتلا گردید ذلت به سراغ او خواهد آمد. درواقع آنچه از منظر قرآن به صورت عزت و پیشرفت است اعتقاد و عمل است که مواردی که ذکر می‌شود مصادیق آن اعتقاد و عمل می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در مورد توسعه و پیشرفت می‌توان به توسعه انسانی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه پایدار، توسعه جهانی و ... اشاره کرد اما هیچ‌یک از این موارد مدنظر ما نیست. جامعه پیشرفته و وارسته، با توجه به تعریف فرهنگ‌ها، ادیان و مکاتب مختلف خواهد بود. بر اساس آیات قرآن مجید جامعه پیشرفته، جامعه‌ای است که با سرمایه ایمان و عمل صالح، در ارتباط با خداوند باشد.

ما برای ساختن کشور به چند عامل نیازمندیم. عامل اول، وحدت و انسجام است. یک ملت متحد و همدل، شکست‌ناپذیر است. یک ملت متحد می‌تواند همه قله‌های ترقی و پیشرفت را فتح کند. عامل و عنصر دیگری که ما نیاز داریم عبارت است از عدالت؛ عدالت محور و رکن جامعه اسلامی است. عدالت ستون خیمه جامعه نمونه است. عدالت رکن حاکمیت اسلامی است. عدالت روح انقلاب اسلامی است. بدون عدالت پیشرفتی اتفاق نخواهد افتاد. بدون عدالت کشور ساخته نخواهد شد و بدون عدالت استعدادها و ذخایر انسانی و مادی شکوفا نخواهد شد. عدالت تضمین پیوند دل‌ها و مهرورزی است. در مورد سایر عوامل توسعه و پیشرفت می‌توان به: عزت، نظم، تبیین معنای مسئولیت اخلاقی، مسئولیت اخلاقی، امنیت، امر به معروف و نهی از منکر، انفاق، علم و دانش، آزادی، اتحاد، عدالت و توحید اشاره کرد که همگی از موارد مهمی است که به تبیین آن‌ها پرداختیم.

منابع

قرآن کریم

- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ ق)، *عوالی الکنالی*، به کوشش مجتبی عراقی، قم، سید الشهداء. ادیبی، حسین (۱۳۵۳)؛ *زمینه انسان‌شناسی*، تهران، نشر پیام.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ ه. ق)؛ *غررالحکم و درر الکلم*؛ تهران: دانشگاه تهران. بدوی، عبدالرحمن. (۱۹۷۵). *الاخلاق النظریه؛ کویت*، وكالة المطبوعات.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۲)؛ *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، انتشارات سمت.
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳ ش)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله*، چاپ علی اکبر غفاری، قم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)؛ *لغت‌نامه؛ زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی*، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیکشنری جدید آکسفورد انگلیسی (۲۰۰۱)، دانشگاه آکسفورد، ویرایش. جودی پیرسول. Oxford Dictionary of English, Oxford University Press, 2001.
- زرناس، شهریار (۱۳۸۳)؛ *واژه‌نامه فرهنگی*، سیاسی، تهران، کتاب صبح.
- سید رضی. (۱۹۹۴)، «*نهج البلاغه*»، ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات تحلیلی اسلامی و آموزش، تهران.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)؛ *مکارم الأخلاق*، قم، نشر شریف رضی.
- کوهن، تامس (۱۳۶۹)؛ *ساختار انقلاب‌های علمی*، ترجمه آرام، احمد؛ تهران، سروش.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق)؛ *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱)؛ *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *گفتارهای معنوی*، قم، انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۹۳)؛ *فرهنگ فارسی معین*، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، نوبت چاپ ۲۷.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵)؛ *روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست*، تهران، دانشگاه تهران.
- وجدانی، مصطفی (۱۳۷۶)؛ *سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)*، تهران، انتشارات پیام آزادی.